

تبیین رویکرد مطلوب ارزشیابی از منظر عاملیت انسان با تأکید

بر روش قیاس عملی

سمیه کیارسی^۱

بیان مساله

پژوهش حاضر در نظر دارد تا با توجه به نقش و اهمیت ارزشیابی در بهبود و اصلاح فرایند یاددهی - یادگیری به بررسی آن از منظری فلسفی مخصوصاً عاملیت فراگیرنده بپردازد. بنابراین در این پژوهش رویکردی از ارزشیابی مورد توجه است که با نقش عاملیت یادگیرنده که حاصل نگرشی اسلامی است، متناسب باشد. امیداست که با این نگاه تازه نسبت به ارزشیابی تحصیلی مشکل اصلی نظام ارزشیابی کشورمان که عدم وجود دید فلسفی هماهنگ با فلسفه ی اسلامی حاکم است، برطرف گردد. چرا که ایجاد رویکرد مطلوب ارزشیابی بدون در نظر گرفتن مبانی یا لایه های فکری بنیادی تری که زیرساز آن است میسر نخواهد بود. عدم توجه به این نکته، موجب می گردد که در آموزش و پرورش، در سطح سیاستگذاران و نیز در سطح معلمان، رویکردی جهت ارزشیابی آموخته های دانش آموزان از میان رویکردهای موجود انتخاب شود، بدون آن که مبانی انسان شناختی، معرفت شناختی و یا ارزش شناسی آن ها مورد مذاقه قرار گیرد و تناسب آن ها با مبانی مفروض در آموزش و پرورش ما لحاظ گردد. این امر می تواند به نوعی ناسازواری در پیکره ی آموزش و پرورش و نظام ارزشیابی آئمنجر شود(باقری، 1389).

سؤالات پژوهش

- 1- رویکرد مطلوب ارزشیابی با توجه به عاملیت فراگیرنده از چه ویژگی هایی برخوردار می باشد؟
- 2- بر اساس روش قیاس عملی چه راهکارهایی را می توان برای رویکرد مطلوب ارزشیابی مطرح نمود؟

Kiyarsi62@yahoo.com

1- دانشجوی دکترای فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه تربیت معلم



چارچوب نظری

ارزشیابی، بخش جدایی‌ناپذیر و همگام فرایند آموزش و یادگیری است که به جای طبقه‌بندی دانش‌آموزان بر یادگیری آن‌ها متمرکز است (شریفی، 1383). نظام ارزشیابی هر جامعه‌ای را می‌توان حداقل از دو منظر مهم مورد بازنگری و اصلاح قرا داد: یکی با توجه به حوزه‌های معرفت‌شناسی، انسان‌شناسی و ارزش‌شناسی مکتب فلسفی و اعتقادی حاکم بر یک جامعه و دیگری نهضت اصلاحات آموزشی، تغییرات برنامه‌ی درسی و مقایسه‌های بین‌المللی در موضوع‌های مختلف درسی و نیاز به افزایش استانداردهای آموزشی (شپرد، 2000؛ اگن و کاوچک، 2001؛ رازدوسک-پوکو، 1998؛ بلک و ویلیام، 1998). پرداختن به موضوع اصلاح ارزشیابی به روش قیاس عملی با دیدگاهی انسان‌شناسانه نیازمند شناخت ویژگی‌های روش قیاس عملی و نیز دستیابی به برداشت و تلقی ایدئولوژیها و یا مکاتب اعتقادی حاکم بر یک جامعه از ماهیت و ذات انسان و مقام و موقعیت او، و به عبارت دیگر، مشخص کردن مبانی و اصول انسان‌شناختی در پرتو روش قیاس عملی ممکن می‌باشد. در روش قیاس عملی بر مبنای اصول و مبانی انسان‌شناختی تربیت اسلامی می‌توان به استنتاج روش ارزشیابی تحصیلی پرداخت. برای این کار می‌توان قیاس عملی فراهم آورد که دو مقدمه آن به ترتیب، اصلی از اصول انسان‌شناختی تعلیم و تربیت و گزاره‌ای معرفتی از مصداق‌های اصل مذکور باشد و نتیجه آن، روشی از روش‌های ارزشیابی تحصیلی.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع پژوهش‌های قیاس عملی است. قیاس عملی، متشکل از دست‌کم یک مقدمه‌ی تجویزی و یک مقدمه‌ی توصیفی است که اولی ناظر به منظور یا غایت مشخصی است و دومی، ناظر به وسیله‌ی نیل به آن غایت، و نتیجه، حاکی از ضرورت استفاده از آن وسیله برای رسیدن به غایت مذکور است. در پژوهش حاضر نیز سعی بر آن است که بتوان با استنتاج اصول انسان‌شناختی اسلامی از اهداف و مبانی به استنتاج روش‌ها و فنون مطلوب ارزشیابی تحصیلی دست یافت. در واقع رویکرد مطلوب ارزشیابی پیشنهادی در این پژوهش از ترکیب اصول و مبانی انسان‌شناختی اسلامی که صبغه‌ی فلسفی و مفهومی دارند و ترکیب آن‌ها با گزاره‌های واقع



نگر مربوط به حوزه‌ی ارزشیابی حاصل شود. بنابراین رویکرد ارزشیابی پیشنهاد شده بر مبنای عاملیت انسان در پژوهش حاضر ابتدا با استنتاج از اهداف غایی تعلیم و تربیت اسلامی که خود حاصل ترکیب مبانی هستی‌شناسی و ارزش‌شناختی (مبانی نوع اول) با گرایش‌های حیاتی طبیعی آدمی است شکل‌گرفته سپس جهت استنتاج روش‌ها و فنون ارزشیابی با رویکرد عاملیت‌متری، ترکیب مبانی انسان‌شناختی (مبانی نوع دوم) با اهداف غایی که خود به استنتاج اهداف واسطی و نیز اصول انسان‌شناختی تعلیم و تربیت و ارزشیابی منجر می‌شود، مورد توجه می‌باشد (باقری، 1389).

یافته‌ها

با توجه به مفروضه‌ی انسان‌شناختی پژوهش حاضر، که در آن انسان به منزله‌ی عامل در نظر گرفته شده است و همچنین به عنوان کسی که ویژگی‌های اساسی او عبارتند از: 1) درهم‌تنیدگی نفس و بدن 2) فطرت 3) عقل 4) اراده و اختیار 5) هویت جمعی 6) محدودیت‌ها (باقری، 1389). روش‌ها و فنون متفاوتی از ارزشیابی خواهیم داشت. ارزشیابی تحصیلی با توجه به مبانی مطرح شده و اصول متناظر آن‌ها در دروس مختلف به این صورت خواهد بود:

در علوم اجتماعی ارزشیابی از اهدافی همچون: ارزشیابی میزان آشنایی دانش‌آموزان با واقعیت‌های اجتماعی، ارزیابی میزان دآوری آن‌ها در مورد تبیین‌های مختلف بر اساس شواهد اجتماعی و سنجش توانایی ارزیابی دانش‌آموزان در زمینه سنت‌های اجتماعی و تعیین نقاط قوت و ضعف آن‌ها و یا ارزیابی در مواردی همچون میزان گرایش مثبت‌متریبیان نسبت به دیگران و احساس مسئولیت در قبال آنها و یا میزان برخورداری آن‌ها از مهارت‌های اجتماعی و ارتباطی صورت می‌گیرد. در علوم تجربی نیز ارزشیابی تحصیلی در راستای ارزیابی اهدافی چون -ارزیابی میزان کسب دانش نسبت به پدیده‌های طبیعی توسط دانش‌آموزان - ارزیابی دانش‌متریبیان نسبت به واقعیات، مفاهیم، اصول و نظریه‌های علمی، -ارزیابی مهارت‌های روشی دانش‌آموزان در انجام فعالیت‌های علمی -ارزیابی توانایی استدلال ورزی و تفکر انتقادی دانش‌آموزان در حوزه علوم تجربی -ارزیابی آگاهی دانش‌آموزان نسبت به ساخت دانش می‌باشد (باقری، 1389).



نتیجه‌گیری، بحث و پیشنهادها

نتایج حاصل از این بررسی نشان می‌دهد ارزشیابی متناسب با دیدگاه عاملیت انسان از ویژگی‌هایی بر خوردار است که معیارها و روش‌های این نوع ارزشیابی را از سایر رویکردهای موجود ارزشیابی متفاوت می‌سازد. به عبارت دیگر ارزشیابی، تصویر پویای برگرفته از تعامل فزاینده منظر بیرونی (معلم) و درونی (شاگرد) از تحقق‌ها و امکان‌های دانشی پیش‌رواست. این تلقی از ارزشیابی نیز بر روش‌های ارزشیابی تأثیر خواهد گذاشت. بر اساس چنین دیدگاهی نسبت به ارزشیابی برخی توصیه‌های عملی را برای به کارگیری آن در آموزش و پرورش می‌توان پیشنهاد کرد:

در ارزشیابی باید شیوه‌های یک‌جانبه جای خود را به شیوه‌های دو‌جانبه و شیوه‌های جزم - پاسخ جای خود را به شیوه‌های باز- پاسخ بدهند. بنابر این در ارزشیابی فراگیران مجبور به دادن پاسخ‌های معین و قاطع نخواهند بود. همچنین در این شیوه‌ی ارزشیابی تأکید صرف، بر نتیجه کافی نیست و تصور این که به طور عینی می‌توان به نتیجه نائل شد، تحریف‌کننده است. از سوی دیگر نگرش قطعیت در مورد ارزشیابی، باید جای خود را به نگرش احتمالی در آن دهد که بر اساس آن، فرض وجود ابزارهای اندازه‌گیری کامل و بدون عیب همچون آزمون‌های عینی کتبی و یا شفاهی از سوی معلمان مردود شمرده می‌شود. بنابراین ارزشیابی که عاملیت فراگیرنده در کانون آن قرار دارد، در راستای اهدافی چون تشکیل شخصیت مستقل ارزشی و علمی فراگیران، ایجاد نگرشی تحولی در مورد دانش‌ها و پرهیز از جزمیت علمی، انجام تکالیف توسط فراگیران همراه با احساس مسئولیت و... شکل می‌گیرد.

واژگان کلیدی: روش قیاس عملی - رویکرد ارزشیابی تحصیلی - نظریه انسان عامل



منابع

- 1- باقری، خسرو (1389). الگوی مطلوب آموزش و پرورش در جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشارات مدرسه.
- 2- باقری، خسرو (1382). هویت علم دینی (نگاهی معرفت‌شناسانه به نسبت دین با علوم انسانی، تهران: وزارت ارشاد و فرهنگ اسلامی.
- 3- سیف، علی اکبر. (1382). مفهوم سنجش و تاثیر آن بر روش آموزش معلم و کیفیت یادگیری دانش‌آموزان (199-212). تهران: تزکیه - مجموعه مقالات اولین همایش ارزشیابی تحصیلی.
- 4- سیف، علی اکبر. (1384). سنجش فرایند و فرآورده یادگیری: روشهای قدیم و جدید. تهران: نشر دوران.
- 5- شریفی، حسن پاشا. (1383). سنجش عملکرد در فرایند یاددهی-یادگیری. مجموعه مقالات همایش ملی مهندسی اصلاحات در آموزش و پرورش (323-343). تهران: پژوهشکده تعلیم و تربیت.
- 6- خوش خلق، ایرج (1384). بازنگری در روش‌های سنجش و نقش آن در اصلاحات آموزشی. در اولین همایش ارزشیابی از پیشرفت تحصیلی. تهران: دفتر آموزش و پرورش پیش دبستانی و ابتدایی.
- 7- ولف، ریچارد (1371). ارزشیابی آموزشی: مبانی سنجش توانایی و بررسی برنامه، ترجمه علیرضا کیامنش، تهران: مرکز نشر دانشگاهی
- 8- Black, P. J. & Wiliam. D. (1998). Assessment and classroom learning. Assessment in Education: Principles Policy and Practice. 5, 7-73
- 9- Diez, M. E. (1997). Assessment as a lever in education reform. Phi Kappa Phi Journal - National Forum. 77, 27-30